

عزت نفس

درس شانزدهم

یکی از مهم‌ترین قدم‌ها در مسیر کمال، تقویت عزت نفس است. عزت از صفاتی است که قرآن کریم بیش از ۹۵ بار خداوند را بدان توصیف کرده است. معصومین بزرگوار این صفت را از ارکان فضایل اخلاقی دانسته‌اند که اگر در وجود ما شکل بگیرد، مانع بسیاری از زشتی‌ها خواهد شد.

این درس را به شناخت این صفت اختصاص می‌دهیم تا با آگاهی بیشتر، برای کسب این فضیلت بکوشیم.

عزّت و ذلّت



عزّت به معنای «نفوذناپذیری» و «تسلیم نبودن» است.^۱ وقتی می‌گویند خداوند «عزیز» است، معنایش این است که کسی نمی‌تواند در اراده او نفوذ نماید و او را تسلیم خود کند.

واژه «ذلّت» درست مقابل «عزّت» قرار دارد و به معنای نفوذپذیری و مغلوب و تسلیم بودن است.

بنابر تعاریف فوق، «انسان عزیز» کسی است که در برابر مستکبران و ظالمان و همچنین در مقابل هوی و هوس خویش بایستد، مقاومت کند و تسلیم نشود. او زیر بار عملی که روحش را آزرده کند و او را حقیر و کوچک سازد، نمی‌رود.

«انسان ذلیل» نیز کسی است که در برابر مستکبران و زورگویان تن به خواری می‌دهد و هر فرمانی را می‌پذیرد؛ همچنین تسلیم هوی و هوس خویش می‌شود و هر کاری را که موافق هوی و هوس او باشد انجام می‌دهد، هر چند که آن کار روحش را به گناه آلوده کند.

اکنون باید ببینیم چگونه می‌توانیم صفت دوست‌داشتنی «عزّت» را در خود تقویت کنیم و از «ذلّت» و خواری دوری کنیم؟

تدبّر در قرآن

در آیات زیر بیندیشید و راه دستیابی به «عزّت» را بیان کنید.

۱- مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا...^۲

هرکس عزّت می‌خواهد [بداند] که هرچه عزّت است، از آن خداست.

۲- لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهُهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ^۳

برای کسانی که نیکوکاری پیشه کردند، پاداشی نیک و چیزی افزون‌تر است و بر چهره آنان

غبار خواری و ذلت نمی‌نشیند.

۳- وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ^۴

آنان که بدی پیشه کردند، جزای بد به اندازه عمل خود می‌بینند و بر چهره آنان غبار ذلت می‌نشیند.

راه پیشنهادی قرآن برای رسیدن به عزت :

.....

۱- معمولاً ما فارسی‌زبانان، واژه «عزیز» را به جای «دوست‌داشتنی» و «گرامی» به کار می‌بریم. این معنا، اگرچه با معنای اصلی واژه در زبان عربی و قرآن کریم، متفاوت است، اما ارتباط نزدیکی با آن دارد؛ زیرا هر انسانی افراد تسلیم‌ناپذیر را دوست می‌دارد.

۲- سوره فاطر، آیه ۱۰.

۳- سوره یونس، آیه ۲۶.

۴- سوره یونس، آیه ۲۷.

۱- زمانی که یزید، پس از پدرش معاویه، قدرت را به دست گرفت، تمام بزرگان جهان اسلام را تهدید کرد که اگر حکومت او را نپذیرند و با وی بیعت نکنند، کشته خواهند شد. این بزرگان با اینکه می دانستند یزید، کوچک ترین ویژگی یک حاکم اسلامی را ندارد، اما از ترس جان خود با او بیعت کردند؛ جز یک نفر که حاضر به بیعت با او نشد و فرمود: «مِثْلِي لَا يُبَاعُ مِثْلُ يَزِيدٍ»؛ کسی چون من با کسی چون یزید، بیعت نمی کند.^۱

۲- حاکمان آمریکا، حاکمانی مشهور به زورگویی و تحمیل زیاده خواهی های خود هستند. آنان فکر می کنند چون زور و قدرت دارند، جهان باید نظرشان را بپذیرد و اگر نپذیرد، باید با تحریم یا عملیات نظامی روبه رو شود. به طور مثال، آمریکایی ها به ما ایرانیان می گویند:

شما ایرانی ها نباید موشک های با بُرد بلند داشته باشید (گرچه خود آمریکایی ها انواع آن را دارند)؛ شما ایرانی ها نباید به غنی سازی هسته ای دست یابید (گرچه خود آمریکایی ها به آن دست یافته اند و بمب اتم ساخته اند و حتی از آن استفاده هم کرده اند و هزاران نفر را کشته اند)؛

شما ایرانی ها نباید هم پیمانان منطقه ای داشته باشید (گرچه خود آمریکایی ها در کل جهان هر نوع هم پیمانی را دارند)؛ شما ایرانی ها نباید در کشورهای دیگر پایگاه نظامی داشته باشید (گرچه خود آمریکایی ها در کل جهان، پایگاه نظامی دارند)؛

شما ایرانی ها نباید اسلحه صادر کنید (گرچه درآمد اصلی خود آمریکایی ها از فروش و صادرات اسلحه به کل جهان است)؛

شما ایرانی ها نباید از مستضعفان جهان حمایت کنید (گرچه خود آمریکایی ها از همه زورگویان جهان، بالاخص رژیم صهیونیستی حمایت می کنند)؛

برخی کشورها و در رأس آنها ایران، زیر بار این زورگویی های ظالمانه نمی روند. ما ایرانیان می دانیم که ایستادن در برابر حاکمان زورگوی آمریکا، سختی هایی نیز دارد، ولی تجربه های تاریخی ما و دیگر کشورها نشان داده که تسلیم شدن در برابر زورگویان ظالم، هزینه های بیشتری از ایستادگی دارد. به همین خاطر، سال ها است که قهرمانان این ایستادگی را ادامه داده ایم و رهبر شهیدمان نیز به پیروی از امام حسین (علیه السلام)، شجاعانه می گفت:

«ملت ما با کسی مثل رئیس جمهور آمریکا، دست بیعت نمی دهد»^۲ و در این راه، به شهادت رسید.

۳- زمانی که امام حسین (علیه السلام) با یاران اندک خود در محاصره لشکر عمر پسر سعد قرار گرفت و احتمال شهادت ایشان زیاد شد، فرمود:

این بدکار روزگار (عبیدالله)، مرا بین دو امر قرار داده است، یا آزادی و حریت، یا ذلت و تسلیم؛ اما هیئات که ما زیر بار ذلت برویم (هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ).^۳

این جمله کوتاه، در طول تاریخ، چراغ راه پیروان امام حسین (علیه السلام) و به خصوص ایرانیان آزاده شد. هر زمانی که ایرانیان علیه ظلم قیام می کردند، جمله «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ» را بر پرچم های خود می نوشتند یا به صورت جمعی فریاد می زدند و به جنگ دشمن می رفتند. امروز نیز که حاکمان زورگوی آمریکا به سرزمین ما حمله کرده اند، این جمله از شعارهای اصلی ایرانیان است: «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ»؛ یعنی هرگز زیر بار ذلت نمی رویم.

۲- بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۲۸ بهمن ۱۴۰۴

۱- لهورف، جلد ۱، ص ۲۱.

۳- تحف العقول، ص ۲۴۱، این جمله معروف، بخشی از خطبه امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا است که خطاب به لشکریان عمر ابن سعد فرموده اند.

راه‌های تقویت عزّت

قرآن کریم و سیره معصومین راه‌های زیر را برای تقویت عزت نفس بیان می‌کند:

۱- شناخت ارزش خود و نفروختن خویش به بهای اندک

اگر کالای گران قیمتی، مانند طلا داشته باشیم، اما ارزش و قیمت آن را ندانیم، به آسانی فریب می‌خوریم و آن را به بهای اندک می‌فروشیم. اما اگر ارزش آن را بدانیم، آن را عزیز می‌شماریم و به قیمت واقعی می‌فروشیم و بهایی برابر با ارزش آن به دست می‌آوریم.

از همین رو خداوند جایگاه ما انسان‌ها را در خلقت بیان می‌کند و می‌فرماید: «ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم... و بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم».^۱

و خطاب به انسان فرموده:

«ای فرزند آدم، این مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم».^۲

خداوند به انسان وعده دیدار داده و بهشتی به وسعت همه آسمان‌ها و زمین برایش آماده کرده است. بهشتی که در آن انسان به هر آرزویی که تمنا می‌کند، می‌رسد؛ حتی به آن زیبایی‌هایی که خودش نمی‌شناسد و خدا می‌داند، دست می‌یابد.^۳

آیا بهایی ارزشمندتر از این به ذهن انسان می‌رسد؟ آیا کسی می‌تواند ادعا کند که می‌تواند بهای بالاتری را برای انسان فرض کند؟

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّهُ لَيْسَ لَأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا: «همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست،

پس [خود را] به کمتر از آن نفروشید».^۴

۲- توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی او

خدایی که خالق تمام هستی است، سرچشمه و منبع همه قدرت‌ها و عزّت‌هاست. او وجود شکست‌ناپذیری است که هیچ کس توانایی ایستادن در برابر قدرت او را ندارد بنابراین، هر کس به دنبال عزت است، باید خود را به این سرچشمه وصل کند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصف انسان‌هایی که عزت خود را در بندگی خدا یافته‌اند، می‌فرماید:

«خالق جهان در نظر آنان بزرگ است. از این جهت، غیر خدا در نظرشان کوچک است».^۵

وقتی که انسان به چنین شناخت و ایمانی رسید، به طور طبیعی تسلیم خدا می‌شود، بندگی او را می‌پذیرد و در مقابل غیرخدا عزیز و تسلیم‌ناپذیر باقی می‌ماند.

به همین جهت امیرالمؤمنین علیه السلام از ما می‌خواهد که:

«بنده کسی مثل خودت نباش، زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است».^۶

۱- سورة اِسرائ، آیه ۷۰.

۲- «يَا أَيُّهَا آدَمُ، خَلَقْتُ الْأَنْبِيَاءَ لِأَجْلِكَ وَ خَلَقْتُكَ لِأَجْلِي»؛ الجواهر السنّية في الاحاديث القدسية، شيخ خُرعاملي، ص ۳۶۲.

۳- سورة قمر، آیه ۵۴، سورة زخرف، آیه ۷۱.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶.

۵- «عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۶- نهج البلاغه، وصیت‌نامه امام به فرزند گرامی خود امام حسن علیه السلام، نامه ۳۱.

آیا تاکنون با کسی که عزت و کرامت شما را نادیده گرفته، مواجه شده‌اید؟ چه عکس‌العملی نشان داده‌اید؟

اسوه‌های عزت در برابر ستمگران

پیشوایان ما با تکیه بر بندگی خداوند و پیوند با او توانستند در سخت‌ترین شرایط، عزت‌مندانه زندگی کنند و هیچ‌گاه تن به ذلت و خواری ندهند.

برای مثال، پیامبر اکرم ﷺ هنگامی که در محاصره طاعت‌فرسای مشرکان مکه بود و جز حضرت ابوطالب (ع) و حضرت خدیجه (ع) و یارانی اندک و فقیر، پشتوانه‌ای نداشت، به بزرگان مکه که به او وعده ثروت و قدرت و ریاست بر این شهر را می‌دادند، فرمود: «اگر اینان خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارند، از راه حق دست بر نمی‌دارم و تسلیم نمی‌شوم».^۱

نوه گرامی و عزیز آن حضرت، امام حسین (ع)، آنگاه که یزیدیان با بیش از سی هزار جنگجو، ایشان را محاصره کردند و از او خواستند که زیر بار بیعت با یزید برود، فرمود:

«مرگ با عزت از زندگی با ذلت، برتر است».^۲

حضرت زینب (ع)، خواهر شجاع امام نیز پس از تحمل انبوه مصائب و سختی، که یکی از آنها می‌تواند انسان را درهم شکند، در پاسخ به جمله تحقیرآمیز عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه که گفت: دیدی خدا چه بر سر خاندان شما آورد؟ با قدرت فرمود: [در این واقعه] جز زیبایی ندیدم.^۳

تمرین ایستادگی در برابر تمایلات پست

هر انسانی، در درون خود، گاه و بی‌گاه با تمایلات و خواسته‌هایی روبه‌رو می‌شود، که پاسخ مثبت



دادن به آنها، عزت نفس را ضعیف می‌کند و انسان را به سوی خواری و ذلت سوق می‌دهد. حال اگر این پاسخگویی ادامه یابد، به خواری و ذلت انسان را احاطه می‌کند، به طوری که در برابر هر خواست نامشروع

۱- سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۵۶.

۲- اللهوف، سید بن طاووس، ص ۲۲.

۳- همان، ص ۳۵.

درونی و بیرونی مقاومت نمی‌کند و به سرعت تسلیم می‌شود.

نوجوانی و جوانی بهترین زمان برای پاسخ منفی دادن به این تمایلات گاه و بی‌گاه است. انسانی که در این دوره سنی به سر می‌برد، هنوز به گناه عادت نکرده و خواسته‌های نامشروع در وجود او ریشه‌دار نشده است و به تعبیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، چنین کسی به آسمان نزدیک‌تر است. یعنی گرایش به خوبی‌ها در او قوی‌تر است. بنابراین نوجوان و جوان، بهتر از هر آدمی می‌تواند ایستادگی در برابر تمایلات منفی را تمرین کند و عزت نفس خود را تقویت کند.

خود عالی و خود دانی

ممکن است برسید ریشه این تمایلات در وجود انسان چیست؟

این سؤال مناسبی است که پاسخ آن می‌تواند راهگشای ما برای رسیدن به عزت و دوری از ذلت باشد.

حقیقت این است که انسان دارای دو دسته از تمایلات است :

اول : تمایلات عالی و برتر، مانند تمایل به دانایی، عدالت، شجاعت، حیا، ایثار و حُسن خلق که مربوط به روح الهی و معنوی انسان هستند. ما با رسیدن به این تمایلات احساس موفقیت و کمال می‌کنیم و از آنها لذت می‌بریم.

دوم : تمایلات دانی، مانند تمایل به ثروت، شهرت، غذاهای لذیذ، زبورآلات و رفاه مادی، که مربوط به بُعد حیوانی و دنیایی انسان است و وقتی به این تمایلات دست می‌یابیم، از آنها لذت می‌بریم و خوشحال می‌شویم. انسان‌ها به‌طور طبیعی به این قبیل امور میل دارند و علاقه‌شان می‌دهند، زیرا اینها لازمه زندگی در دنیا هستند و بدون آنها یا نمی‌توان زندگی کرد یا زندگی سخت و مشکل می‌شود. تمایلات بُعد حیوانی در ذات خود بد نیستند، اما نسبت به بُعد معنوی و الهی، بسیار ناچیز و پایین‌ترند و قابل مقایسه با آن تمایلات نیستند.

پس چه موقع این تمایلات بد می‌شوند؟

آنگاه که انسان، این تمایلات را اصل و اساس زندگی قرار دهد و فقط در فکر رسیدن به آنها باشد و از تمایلات الهی خود غافل بماند. حد و مرز توجه به این تمایلات را خدا می‌داند و خداوند با احکام خود چگونگی بهره‌مندی از این تمایلات را مشخص کرده تا انسان بتواند در عین بهره‌مندی از آنها، به رشد و کمال واقعی خود برسد.

از این رو هر انسانی در درون خود با دو دعوت روبه‌روست : دعوت عقل و وجدان یا همان

«نفس لَوّامه»، که از ما می‌خواهد در حدّ نیاز به تمایلات فروتر پاسخ دهیم و فرصتی فراهم کنیم که تمایلات معنوی و الهی در ما پرورش پیدا کند و آن زیبایی‌ها وجودمان را فرا بگیرند.

دعوت دیگر، دعوت هوی و هوس یا همان «نفس اماره» است که از ما می‌خواهد فقط به تمایلات بُعد حیوانی سرگرم و مشغول باشیم و از تمایلات عالی و برتر غافل بمانیم.

انسانی که به هوی و هوس پاسخ مثبت می‌دهد و تسلیم می‌شود، قدم در مسیر ذلت گذاشته و از راه رشد باز می‌ماند. پس از این مرحله است که وقتی در برابر ستمگران و قدرتمندان قرار گرفت، زیر بار ذلت می‌رود و تسلیم خواسته‌های آنها هم می‌شود.

بنابراین، کسی که در مقابل دیگران تن به ذلت می‌دهد، ابتدا در مقابل تمایلاتِ پستِ درون خود شکست خورده و تسلیم شده و سپس مغلوب زورگویان و قدرتمندان گردیده و تسلیم خواسته‌های آنان شده است.

تحقیقات نشان می‌دهد که اکثر مجرمان و گناهکاران افرادی فاقد عزت نفس هستند یا عزت نفس بسیار پایینی دارند، درحالی‌که اکثر انسان‌های مفید و نیکوکار جامعه دارای عزت نفس بالایی می‌باشند و کمتر مرتکب گناه می‌شوند.

خودارزیابی (۲)

با توجه به آیات و احادیث و نکاتی که در درس آمده جاهای خالی را تکمیل کنید.

تسلیم و بندگی خداوند ←

احساس حضور در پیشگاه خداوند ← و

غفلت از خداوند ← و

عزت نفس ← حفظ پیمان با خدا و

ذلت نفس ← و سستی در عزم و تصمیم

فقیری که دارای عزت نفس باشد نمی‌کند. گدا، ابتدا

..... و سپس گدایی می‌کند. جوانی که عزت نفس دارد، در برابر

..... نمی‌شکند.

انسان عزیز در برابر شکست‌ناپذیر و در برابر مردم

..... است.



خارکش پیری، با دلق^۱ درشت
لنگ لنگان قدمی برمی داشت
کامی فرازنده^۲ این چرخ بلند
کنم از جیب^۳ نظر تا دامن
در دولت^۴ به زخم بگشادی
حد من نیست ثنایت گفتن
نوجوانی به جوانی مغرور
آمد آن شکر گزاریش به گوش
خار بر پشت، زنی زین سان کام
عمر در خارکشی باخته ای

پشته ای خار همی بُرد به پشت
هر قدم دانه شکری می کاشت
وی^۵ نوازنده^۶ دل های نژنده
چه عزیزی که نکردی با من!
تاج عزت به سرم بهنادی
کوهر شکر عطایت سُفتن^۸
رُخش^۹ پندار^{۱۰}، همی راند ز دور
گفت ای پیر جُرف کشته خموش
دولت چیست؟ عزیزیت کدام؟
عزت از خواری نشاخه ای؟

۱- دلق: لباس بشمینه

۳- وی: در اصل «وای» بوده

۵- نژند: غمگین

۷- دولت: اقبال و نیک بختی

۹- رخس: اسب

۲- فرازنده: برپا کننده، سازنده

۴- نوازنده: نوازش کننده

۶- جیب: یقه، گریبان

۸- سُفتن: تراشیدن و سوراخ کردن

۱۰- پندار: عجب و تکبر

پیرگشتا که: چه عزت زین به
 شکر گویم که مرا خوار ساخت
 به ره حرص شائبه نکرد
 داد با این همه افتادیم
 که فی‌ام بر در تو بالین نه
 به خسی چون تو گرفتار ساخت
 بر در شاه و گدا بنده نکرد
 عز آزادی و آزادگیم
 هفت اورنگ جامی

معرفی کتاب

منابع برای مطالعه بیشتر

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
در کوچه باغ آسمان	علی اصغر حسینی تهرانی	گنج معرفت	معلم / دانش آموز
رمز پیروزی مردان بزرگ	جعفر سبحانی	نسل جوان	معلم / دانش آموز
چشم دل	جواد محدثی	سازمان تبلیغات اسلامی	معلم / دانش آموز





استماع و فردخوانی: آیات درس را با توجه به الگوی قرائت، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ
 إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢﴾
 وَلَيْسَتَغْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ
 مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ
 فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ
 الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَّتَكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْتُمْ
 تَحْصُنَا لِنَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْهُمْ
 فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِمْ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا
 إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ
 وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢٤﴾ اللَّهُ نُورُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ ۚ
 مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ ۚ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ
 الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ
 زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ
 وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ ۚ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ
 وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾

ای مؤمنان، به مردان و زنان بی‌همسری که از [همکیشان] شما هستند و به آن بندگان و کنیزانان که شایستگی ازدواج را دارند، همسر دهید. اگر تهیدست‌اند، خداوند آنان را از فضل خود توانگر خواهد ساخت، که خداوند دارای بخششی گسترده است و به حال کسی که صلاح او در گشایش است داناست. (۳۲)

و باید کسانی که هزینه ازدواج و مخارج زندگی را نمی‌یابند پاکدامنی پیشه کنند و از کارهای زشت بپرهیزند تا خداوند آنان را از فضل خود توانگر کند. و از میان بردگانتان، آنان که می‌خواهند با قراردادی مكتوب ثمن خود را بپردازند و آزادی خود را باز یابند، اگر شایستگی این کار را در آنان سراغ دارید، درخواستشان را بپذیرید و با آنان قرارداد بنویسید، و از مالی که خدا به شما ارزانی کرده است به عنوان زکات به ایشان بدهید [تا بتوانند بهای خود را بپردازند]. و اگر کنیزانان خواهان عفت‌اند، برای دستیابی به متاع ناپایدار دنیا آنان را به زنا وادار نکنید، و هرکس آنان را به این کار وادار کند [کیفر خواهد دید و] البته خداوند گناه کنیزان را پس از آنکه به این کار زشت مجبور شده‌اند می‌آمرزد و رحمت خود را از آنان دریغ نمی‌دارد. (۳۳)

همانا ما آیاتی روشن‌گر که راه سعادت را به شما نشان می‌دهد و شرحی از آنان که پیش از شما در گذشتند — چه نیکانشان و چه تب‌کارانشان — به سوی شما نازل کردیم تا کارهای شایسته و ناشایسته را بشناسید، و برای تقوای پیشگان شما نیز اندرزی فرو فرستادیم. (۳۴)

خداوند نوری (وجود آشکاری) است که آسمان‌ها و زمین بدان پدیدار شده‌اند و برای او نوری ویژه مؤمنان است. این نور در مثل همچون چراغدانی است که در آن چراغی باشد و آن چراغ در بلوری، که وزش باد شعله‌اش را نلرزاند و از فروغش نکاهد. آن بلور چنان بدرخشد که گویی اختری تابان است. آن چراغ با روغنی که از درخت پرپرکت زیتون فراهم آمده است افروخته می‌شود؛ درختی که نه در جانب شرق است و نه در جانب غرب که تنها یک سوی آن از تابش خورشید بهره‌برد؛ نزدیک است روغن آن از شدت صافی روشنی بخشد، هرچند آتشی به آن نرسیده و شعله‌ورش نکرده باشد؛ نوری است شدید بر روی نوری شدید. خدا هر که را بخواهد (شایسته بداند)، به نور هدایتش راه می‌نماید، و خدا این مثل‌ها را برای مردم می‌آورد و خدا به هر چیزی داناست. (۳۵)



درس هفتم

زمینه‌های پیوند

خانواده مقدس‌ترین بنای اجتماعی نزد خداست. این بنا با پیوند زن و مرد به وجود می‌آید و با آمدن فرزندان کامل می‌شود. با تولد فرزندان، زن و مرد، مادر و پدر بودن را تجربه می‌کنند و فرزندان را در دامن خود می‌پرورانند. در این درس می‌خواهیم دربارهٔ این نهاد مقدس صحبت کنیم تا بدانیم:

زمینه‌های جذب زن و مرد به یکدیگر برای تشکیل خانواده کدام‌اند؟
اهداف تشکیل خانواده چیست؟

۱- وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَفِرُونَ^۱

و از نشانه‌های خدا آن است که همسرانی از [نوع] خودتان برای شما آفرید تا با آنها آرامش یابید و میان شما «دوستی» و «رحمت» قرارداد. همانا در این مورد، نشانه‌هایی است برای کسانی که تفکر می‌کنند.

۲- وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ^۲

و خداوند برای شما همسرانی از [نوع] خودتان قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگانی نهاد و از پاکیزه‌ها به شما رزق و روزی داد. حال، آیا آنان به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت الهی کفران می‌ورزند؟

در این آیات تفکر کنید و به سؤالات پاسخ دهید.

۱- هدف از تشکیل خانواده چیست؟

۲- نوع نگاه اسلام به زن و مرد چگونه است؟

۳- خداوند چه چیزهایی را به عنوان آیات و نشانه‌های خود معرفی کرده است؟

.....

.....

.....

.....

شخصیت انسانی زن و مرد

کلمات «إنس»، «انسان»، «بنی آدم» و «ناس» در قرآن کریم اختصاص به جنس خاصی ندارد و هر آیه‌ای که با این کلمات همراه باشد، به زن و مرد، هر دو مربوط می‌شود؛ زیرا حقیقت انسان را روح وی تشکیل می‌دهد و روح انسان نه مذکر است و نه مؤنث. زنان و مردان به عنوان افراد نوع بشر، ویژگی‌های فطری یکسان و هدف مشترکی دارند که با بهره گرفتن از آن ویژگی‌های فطری می‌توانند به آن هدف مشترک، یعنی قرب الهی و بهشت جاوید برسند.

۱- سوره روم، آیه ۲۱.

۲- سوره نحل، آیه ۷۲.

جایگاه زن در قرآن و مقایسه آن با تورات و انجیل

در دوره‌ای که قرآن کریم بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد، بیشتر مردم، مرد را در خلقت برتر از زن می‌شمردند. این موضوع، در داستان خلقت آدم و حوا و زندگی آنها در بهشت اولیه و بیرون شدنشان از آنجا نمود بیشتری داشت.

به طور مثال، در سفر «پیدایش» تورات آمده که حوا از دندۀ چپ آدم خلق شد و او بود که آدم را اغوا و گمراه کرد و به خوردن میوه درخت ممنوعه تشویق نمود؛ به این صورت که شیطان به شکل مار درآمد و به سراغ حوا رفت و به وسوسه او پرداخت. وقتی شیطان، حوا را فریب داد، حوا به نزد آدم رفت و آن قدر اصرار کرد تا او را راضی نمود که با هم به درخت ممنوعه نزدیک شوند و از میوه آن بخورند.^۱ این کتاب که هم اکنون نیز کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان است، چنین نگاهی به زن را به پیروان خود منتقل می‌کند و در مورد خروج از بهشت، زن را مقصر نشان می‌دهد و او را به گناه نزدیک‌تر می‌داند.

بر اساس آموزه‌های کتاب مقدس (تورات و انجیل) مسیحیان معتقدند زن منبع هر شر و فساد در عالم است. زن ستیزی و شرانگاری وی، در تمام دورانی که کلیسا بر غرب سیطره داشت از طرف کشیشان کلیسا ترویج می‌شد.

قرآن کریم در همان عصری که غرب بدترین خشونت‌ها و تحقیرها را علیه زن روا می‌داشت، در جامعه جاهلی نازل شد. جامعه‌ای که برخی از آنان داشتن دختر را ننگ می‌دانستند و رفتاری خشن و قهرآمیز با زنان و دختران داشتند.^۲ اما قرآن کریم، در تقابل با فرهنگ رایج آن زمان، به زن شخصیت انسانی بخشید و معیار کرامت را نه براساس جنسیت بلکه براساس فضایل انسانی و ایمان و تقوا قرار داد. قرآن کریم، در بیان داستان خلقت، مرد را برتر از زن قرار نمی‌دهد. قرآن می‌فرماید که زن از همان جنس مرد آفریده شده است.^۳ و در داستان بیرون رفتن آنها از بهشت هم بدون اینکه نامی از مار بیاورد، می‌فرماید که شیطان هر دو را با هم فریب داد.^۴ همچنین می‌فرماید خداوند انسان‌ها را از یک مرد و یک زن آفریده و هیچ‌کدام در پیشگاه خدا بر دیگری برتری ندارند، مگر به تقوا.^۵

۱- تورات، سفر پیدایش، اصحاح ۲، ۲۳-۲۵ و اصحاح ۳، ۱-۷.

۲- سوره نحل، آیه ۵۸.

۳- سوره نسا، آیه ۱.

۴- سوره اعراف، آیه ۲۰.

۵- سوره حجرات، آیه ۱۳.

نقش‌های مکمل

خداوند، زن و مرد را به گونه‌ای آفریده که زوج یکدیگر باشند^۱؛ یعنی در کنار هم قرار گیرند و یکدیگر را کامل کنند؛ زن و مرد اگرچه از نظر ویژگی‌های انسانی با هم مشترک هستند و خداوند برای هر دو هدف واحدی معین کرده است، اما از جهت «زن بودن» و «مرد بودن»، یعنی از نظر خصوصیات جسمی با هم متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها به گونه‌ای است که هر دو را به هم نیازمند کرده است، بدون اینکه یکی بر دیگری برتری داشته باشد؛ زیرا برتری هرکس نزد خداوند به تقواست که باید آن را در وجود خود پرورش دهد.^۲

تفاوت‌های میان زن و مرد به جهت وظایف مختلفی است که خالق حکیم بر عهده‌ه‌ریک از زن و شوهر نهاده است تا هرکدام از آنها بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش‌های خاصی را بر عهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدید آورند. به‌طور مثال، توانمندی عاطفی بالای زنان و قدرت جسمی بیشتر مردان برای آن است که زن با محبت مادری، فرزندان را رشد دهد و مرد با کار کردن نان‌آور خانواده باشد.

مهم‌ترین عامل پایداری خانواده، درک درست از زوجیت و مکمل بودن زن و مرد و عمل به این درک است. اگر همسران از این موضوع غافل باشند، به سرعت در محیط خانه از هم بیگانه می‌شوند و با پیش آمدن کوچک‌ترین تنش از هم جدا می‌شوند. اما اگر درک متقابل از نیازهای متفاوت یکدیگر داشته باشند، با آرامش در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و به تعبیر قرآن کریم، لباس یکدیگر می‌شوند و کاستی‌ها و نقص‌های یکدیگر را می‌پوشانند.^۳



از این‌رو، هر جوانی باید قبل از ازدواج، با آموزش نزد معلمان و مربیان مورد اعتماد و مطالعه کتاب‌های مناسب، به درک درستی از ازدواج و زندگی خانوادگی برسد، تا بتواند یک خانواده موفق را تشکیل دهد. پس آموزش قبل از ازدواج، یکی از کلیدهای موفقیت در زندگی خانوادگی است.

۱- سوره نبا، آیه ۸.

۲- نظام حقوق زن در اسلام، شهید مطهری، ص ۱۱۹.

۳- سوره بقره، آیه ۱۸۷.

امروزه، جامعه ما از سه دسته خانواده تشکیل شده است :

۱- خانواده‌های سنتی : این خانواده‌ها که باورها و اعتقادات دینی خود را با برخی از آداب و سنت‌های محلی ترکیب کرده‌اند، از قدیم الایام وجود داشته‌اند. این خانواده‌ها، امتیازات و معایبی دارند.

یکی از امتیازات آنها این است که با استفاده از تجربه‌های فراوان، به سنت‌هایی رسیده‌اند که می‌دانند چگونه با هم زندگی کنند و روزگار را بگذرانند. به همین جهت، نوعی آرامش روانی بر این خانواده‌ها حاکم است.

یکی از معایب آنها این است که گاه میان آموزه‌های اسلام و سنت‌های خود فرق نمی‌گذارند و آن سنت‌ها را آموزه‌های دین تلقی می‌کنند و اگر کسی با آن آموزه‌ها مخالفت کند، به حساب مخالفت با دین می‌گذارند؛ مثلاً برخی از خانواده‌ها فکر می‌کنند که ابتدا پدر و مادر باید همسر آینده فرزند را شناسایی کنند و اگر فرزندی قبل از آنها از راهی کاملاً درست، به کسی علاقه‌مند شده باشد و به پدر و مادر اطلاع دهد، کار ناشایسته‌ای کرده است.

۲- خانواده‌های مخالف سنت : این قبیل خانواده‌ها که بیشتر تحت تأثیر فرهنگ غرب، با هر سنتی مخالف هستند، می‌کوشند با الگو گرفتن از آن فرهنگ، از سنت‌ها فاصله بگیرند و زندگی مدرن و جدیدی بسازند. این گروه از خانواده‌ها با دو مشکل اساسی روبه‌رو هستند :

اول : نمی‌توانند میان سنت‌های غلط جامعه خود با آموزه‌های اسلام تفکیک قائل شوند و به همین جهت، هر سنت قدیمی را فقط به این دلیل که قدیمی است، رد می‌کنند و انکار می‌نمایند. در نتیجه اندک اندک از اسلام فاصله می‌گیرند و به گناه آلوده می‌شوند.

دوم : از سطح ظاهری زندگی خانوادگی در غرب که از طریق رسانه‌ها یا مسافرت‌ها بیان می‌شود، اطلاع دارند و از لایه‌های عمیق و بنیانی آن مانند متلاشی شدن خانواده، فردگرایی و سردی روابط اعضای خانواده بایکدیگر، عادت به طلاق، سپردن اطفال به نهادهای عمومی، گسترش روابط نامشروع، افزایش خانواده تک‌سرپرست، کمتر مطلع می‌شوند و اگر به برخی از این افراد عواقب زندگی خانوادگی در غرب گفته شود، در پاسخ می‌گویند که در برخی از این امور، مانند طلاق، جامعه ما هم دارد به همان سمت کشیده می‌شود و به این موضوع توجه نمی‌کنند که افزایش طلاق، بیشتر در همان گروه‌هایی است که با زندگی سنتی مخالف‌اند و زندگی شبه غربی دارند و این افزایش محصول پیروی از زندگی غربی است. البته عواملی مانند فقر یا بیکاری هم از عوامل طلاق‌اند که به این بحث مربوط نمی‌شود.

۳- خانواده متعادل و نمونه اسلامی: این گونه خانواده‌ها می‌کوشند راهنمایی‌های اسلام را از سنت‌های غلط جامعه جدا کنند و با کنار گذاشتن سنت‌های غلط، زندگی خانوادگی را با معیارهای اسلامی بنا کنند و در انتخاب همسر یا تربیت فرزند از آن معیارها کمک بگیرند و تا آنجا از سنت‌های جامعه استفاده کنند که مخالف اسلام نباشد. این قشر از جامعه، به دلیل یک حرکت عالمانه که همراه با مطالعه و فکر و اندیشه است، معمولاً خانواده‌های موفق‌تری دارند و آرامش خانوادگی آنان، خیلی بیشتر از خانواده‌های دسته دوم است و جدایی و طلاق، کمتر در این خانواده‌ها اتفاق می‌افتد.

آمادگی برای ازدواج

انسان، با رسیدن به سن بلوغ و دوره جوانی وارد مرحله مسئولیت‌پذیری می‌شود و این شایستگی را به دست می‌آورد که مخاطب خداوند قرار گیرد و از هم‌اکنون برای سعادت خود و خانواده‌ای که در آینده نزدیک تشکیل خواهد داد، برنامه‌ریزی نماید. مهم‌ترین این برنامه‌ها در مورد تشکیل خانواده عبارت‌اند از:

۱- تقویت عفاف و پاکدامنی در خود از آغاز بلوغ؛

۲- مشخص کردن هدف‌های خود از تشکیل خانواده؛

۳- شناخت معیارها و شاخص‌های همسر مناسب؛

۴- شناخت ویژگی‌های روحی زن و مرد.

در این درس به تبیین برخی از این موارد می‌پردازیم:

تقویت عفاف و پاکدامنی

دوره بلوغ تا ازدواج یکی از حساس‌ترین و ارزشمندترین دوره‌های عمر انسان است؛ دوره گذر از کودکی و ورود به بزرگسالی و پذیرش مسئولیت‌های زندگی است. اگر نوجوان و جوان، این دوره را با پاکی و پاکدامنی بگذرانند و در حالی به زندگی مشترک با همسرش وارد شود که آلوده به گناه و فحشا نشده باشد، راه رسیدن به بهشت را برای خود و فرزندانش بسیار هموار کرده است.

قرآن کریم از دختران و پسران می‌خواهد که قبل از ازدواج حتماً عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت، زندگی آنان را سامان دهد.^۱ همچنین می‌خواهد که به هیچ وجه در پی رابطه غیر شرعی، چه پنهان و چه آشکار، با جنس مخالف نباشند^۲، که زیان آن تا قیامت دامنگیر آنان خواهد شد و در نسل‌های آنان تأثیر بدی خواهد گذاشت.

۱- سوره نور، آیه ۳۳.

۲- سوره مائده، آیه ۵؛ سوره نساء، آیه ۲۵.

هر جوانی به طور فطری و طبیعی خواستار ازدواج با کسی است که قبل از ازدواج پاکدامنی خود را حفظ کرده و رابطه غیرشرعی با جنس مخالف نداشته است. کسی که چنین خواسته‌ای دارد، باید خودش نیز این‌گونه باشد. همچنین، هرکس که خواستار آن است تا دیگران به اعضای خانواده او نظر سوء نداشته باشند، خودش هم باید چنین باشد. نظام هستی بر عدالت استوار است،^۱ عمل هرکس، عکس‌العملی دارد که قسمتی از آن در این جهان ظاهر می‌شود و تمام آن در آخرت. در این مسیر، پیشگیری، بهتر از درمان است. برای پیشگیری از گرفتاری به بیماری فساد و گناه باید کاری کنیم که در آستانه انجام گناه قرار نگیریم. در عصری که گسترش‌دهندگان فساد و فحشا از آخرین دستاوردهای علمی برای رسیدن به مقاصد شوم خود بهره می‌برند، باید با زیرکی، شجاعت روحی و توکل بر خداوند، راه‌های نزدیکی به گناه را ببندیم و بینی شیطان را بر خاک بمالیم.

بیشتر بدانیم

اقدامات زیر برای حفظ عفاف و پاکدامنی بسیار مؤثر است:

- ۱- کنترل نگاه و استقامت در برابر تحریک دیگران برای دیدن یک فیلم یا یک پیام نامناسب، یا حضور در مجالس گناه آلود و توانایی «نه» گفتن به آنها؛
- ۲- انتخاب دوست دیندار و نمازخوان و معاشرت نکردن با افراد بی‌بندوبار؛
- ۳- استفاده از لباس مناسب با شأن و منزلت انسان مسلمان؛
- ۴- انجام درست و به موقع نماز، به خصوص به صورت جماعت و با حضور در مسجد و شرکت در جلسات مذهبی، مانند مجالس دعای کمیل و دعای ندبه، اعیاد و عزاداری‌ها و سخنرانی‌های پر محتوا؛
- ۵- مشغول بودن به کارهای ضروری، مانند درس خواندن، انجام کارهای منزل، پرداختن به کارهای فنی و هنری، همکاری در بسیج، کانون‌های فرهنگی و بنیادهای خیریه؛
- ۶- رعایت جنبه‌های حلال و حرام در ارتباط با جنس مخالف
- ۷- خواندن داستان‌هایی درباره سیره و رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه و امامان بزرگوار علیهم السلام و کسانی که پیرو آنان بوده‌اند، همچون شهدای دفاع مقدس؛
- ۸- توجه به نصیحت‌ها و خیرخواهی‌های پدر و مادر؛

۱- «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ»، عوالی اللثالی، شیخ محمد بن علی بن ابراهیم آحسانی، ج ۴، ص ۱۰۳.

توجه به اهداف ازدواج

شایسته است که به تدریج درباره هدف خود از ازدواج فکر کنیم و هوشمندانه وارد این مرحله از زندگی شویم. البته برای تشکیل خانواده در متون دینی اهدافی ذکر شده است که بعضی از آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم. خوب است که ما نیز در بحث ازدواج همین هدف‌ها را در نظر بگیریم.

اول. پاسخ به نیاز جنسی: ابتدایی‌ترین زمینه ازدواج، نیاز جنسی مرد و زن به یکدیگر است. این نیاز که احساس آن از دوران بلوغ آغاز می‌شود، اولین کشش و جاذبه را میان زن و مرد ایجاد می‌کند و آنان را به سوی تشکیل خانواده می‌کشاند. بر اثر ازدواج و پاسخ صحیح به این نیاز، هر کدام از مرد و زن به یک آرامش روانی می‌رسند.

دوم. انس با همسر: هر یک از زن و مرد، علاوه بر نیاز جنسی، نیازمند به زندگی با دیگری هستند و این نیاز نیز پس از بلوغ آشکار می‌شود. این نیاز به گونه‌ای است که اگر فردی از راه‌های نامشروع نیاز جنسی خود را برطرف کند، اما بدون همسر زندگی کند، باز هم یک بی‌قراری و ناآرامی او را آزار می‌دهد که فقط با بودن در کنار همسر برطرف می‌شود.



برخی از ازدواج‌های ناموفق هم، ریشه در همین موضوع دارند که زن یا مرد به این نیاز همسر خود توجهی ندارد و رفتاری آرامش‌بخش از خود نشان نمی‌دهد. تجربه‌های روان‌شناختی گویای آن است که توانایی زن نسبت به مرد در ایجاد آرامش بیشتر است و مبدأ آرامش در خانواده، اوست.

تدبّر در قرآن

با توجه به آیات صفحه ۲۰۹، پاسخ دهید:

برای اینکه آرامش ناشی از انس و هم‌صحبتی میان همسران پدید آید، قرآن کریم از آنان می‌خواهد که دو ویژگی در میان آنها تقویت شود. آن دو ویژگی کدامند؟
..... و

سوم. رشد و پرورش فرزندان: خانواده بستر رشد و بالندگی فرزندان است و هیچ نهادی نمی‌تواند جایگزین آن شود. فرزند، ثمره پیوند زن و مرد و تحکیم‌بخش وحدت روحی آنهاست. آنان

دوام وجود خود را در فرزند می‌بینند و از رشد و بالندگی او لذت می‌برند. کدام افتخار بالاتر از آنکه خداوند تربیت و پرورش چند تن از بندگان خود را به پدر و مادر سپرده است و احترام و اطاعت از والدین را هم ردیف طاعت و عبودیت خود قرار داده است.

البته مسئولیتی که با آمدن فرزندان بر دوش پدر و مادر قرار می‌گیرد، سنگین و غیرقابل چشم‌پوشی است. بنابراین، تمام فعالیت‌های بعدی پدر و مادر باید به گونه‌ای تنظیم شود که به رشد این نهال‌ها و بالندگی آنها کمک کند. هریک از استعدادهای فرزندان که به خاطر بی‌تدبیری پدر یا مادر سرکوب شود، در پیشگاه خداوند مجازاتی به همراه دارد.

چهارم. رشد اخلاقی و معنوی: انسان به رشد و تکامل اخلاقی نیاز دارد و خانواده، بستر مناسب آن است. پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده، از همان ابتدا زمینه‌های فساد را از خود دور می‌کنند، مسئولیت‌پذیری را تجربه می‌نمایند، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود پرورش می‌دهند، با گذشت و مدارا و تحمل سختی‌ها و ناگواری‌های زندگی، به درجات معنوی بالاتری نائل می‌شوند. علاوه بر این، تربیت صحیح کودکان و رشد فضائل اخلاقی آنها در خانواده اتفاق می‌افتد. البته، این در صورتی است که پدر و مادر با مسئولیت خود آشنا باشند و آن را به درستی انجام دهند.

نکته مهم

برای اینکه یک ازدواج موفق داشته باشید که هم به جدایی منجر نشود و هم آرامش و خوشبختی را به دنبال داشته باشد، لازم است که در تشکیل خانواده به هر چهار هدف توجه کنید و هدف چهارم را در مرتبه برتر قرار دهید. به طور مثال، اگر فقط هدف اول را دنبال کنید و برای سه هدف دیگر تلاش نکنید، پس از مدتی، اختلافات ظاهر می‌شوند و دوری روحی و روانی یا همان طلاق عاطفی زندگی را خسته‌کننده می‌کند. اما اگر به چهار هدف توجه داشته باشید، به زودی محیطی آرامش بخش و سرشار از نشاط و لذت پدید خواهد آمد و اعضای خانواده تا آخر عمر با احساس رضایت در کنار هم زندگی خواهند کرد.^۱



۱- دختران زودتر از پسران از سطح نیاز اول می‌گذرند و به هدف‌های بالاتر توجه دارند. یعنی معمولاً نیازهایی بیش از نیاز جنسی آنها را به‌سوی پسران می‌کشاند. برخی از پسران که معمولاً برای نیاز سطح اول به‌سوی دختران می‌روند، به ارتباطی موقت بسنده می‌کنند و پس از مدت کوتاهی ارتباط خود را قطع می‌کنند و کمتر به ارتباطی پایدار برای تشکیل خانواده می‌اندیشند. به همین جهت گفته‌اند که برای تشکیل خانواده، علاوه بر نیاز اول، آگاهی از نیازهای دیگر که مدتی پس از بلوغ جنسی برای پسران حاصل می‌شود، ضرورت دارد. از فواید مهم مشورت دختران با پدران و مادران تشخیص موضوعاتی از این قبیل است (رجوع کنید به یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۵، ص ۳۰).

اندکی تأمل!

۱- «بهترین روش تربیت فرزند، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت دقت، آنچنان بار بیاورد که این موجود انسانی، چه دختر چه پسر، وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد»^۱.

۲- همان‌طور که پایداری بنیاد خانواده، سبب کم شدن فساد در جامعه می‌شود، ازدیاد فساد نیز سبب سست شدن این بنیان می‌گردد. از این‌رو، هریک از ما که آرزومند داشتن خانواده سالم و فرزندان سالم هستیم، باید به کم کردن فساد اجتماعی کمک کنیم. کسی که در سنین جوانی، به چارچوب‌های دین در ارتباط با جنس مخالف توجه نکرده و مرتکب برخی فسادها شده، نباید انتظار داشته باشد که پس از تشکیل خانواده، محیط سالمی برای فرزندانش داشته باشد. شیطان، با فریب کاری تمام به برخی جوانان چنین القا می‌کند که بی‌بندوباری دوره جوانی امری عادی است و پس از ازدواج می‌توانی از این بی‌بندوباری دور شوی. وقتی این جوان از جوانی دور شد و تشکیل خانواده داد، جوانان دیگری می‌آیند که آنها نیز ممکن است همان روش او را تکرار کنند. قرآن کریم مسئله فساد را خطرناک‌ترین توطئه شیطان و بدترین پرتگاه سقوط انسان می‌داند و فرزندان آدم را به شدت از آن بیم می‌دهد. قرآن کریم به ما اعلام می‌کند که شیطان و پیروان او، انسان‌ها را به پوشش‌های نامناسب و برهنگی وسوسه می‌کنند و از راه‌های مختلفی وارد می‌شوند تا ما را به گناه بکشانند و پس از آلوده شدن به گناه ناامیدی از بخشش خداوند و بی‌فایده بودن بازگشت و توبه را به ما تلقین می‌کنند.

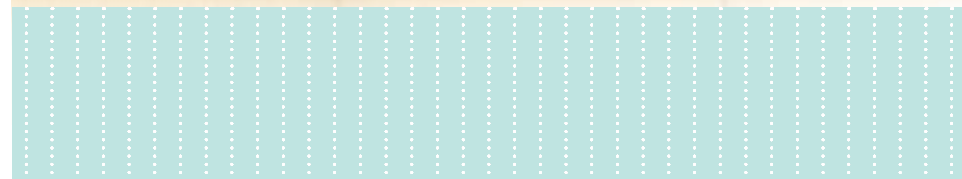
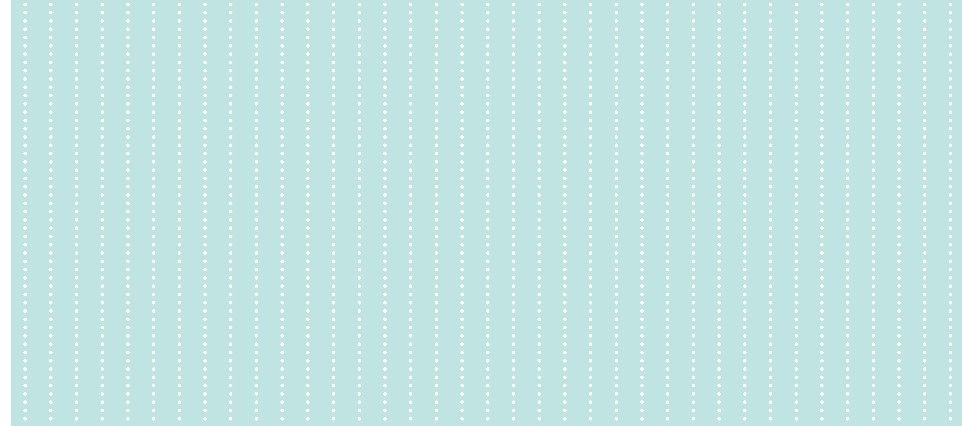
قرآن کریم از روش تأسف بار کسانی خبر می‌دهد که وقتی فریب شیطان را می‌خورند و به لباس بدن‌نما و فساد روی می‌آورند به توجیه کار خود بر می‌خیزند و می‌گویند دیگران هم، چنین می‌کنند و خدا هم با این کارها مخالف نیست. قرآن کریم با تعجب می‌پرسد: «آیا چیزی به خدا می‌بندید که اصلاً بدان علم نداشت؟» سپس با تأکید فراوان می‌فرماید: ای پیامبر به مردم بگو: خداوند هر فساد و فحشایی را، چه پنهان و چه آشکار، حرام کرده و گناه شمرده است.^۲

۱- رهبر معظم انقلاب.

۲- مجموعه مطالب ذکر شده از آیات ۲۶ تا ۳۳ سورة اعراف، استخراج شده است.

منابع برای مطالعه بیشتر

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
نظام حقوق زن در اسلام	شهید مرتضی مطهری	صدرا	معلم/ دانش آموز
زن اگر این گونه می بود	راضیه محمدزاده	منیر	معلم/ دانش آموز
مطلع مهر	امیرحسین بانکی پور	حدیث راه عشق	دانش آموز
همسر اگر این گونه می بود	راضیه محمدزاده	منیر	معلم/ دانش آموز
سر دلبران	امیرحسین بانکی پور	حدیث راه عشق	دانش آموز
جوانان و انتخاب همسر	علی اکبر مظاهری	قدسیان	معلم/ دانش آموز





استماع و فرخوانی : آیات درس را با توجه به الگوی قرائت، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجْهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٨﴾
 يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ۖ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ
 وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا ۚ
 وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ ۖ قُلِ الْعَفْوَ ۚ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ
 لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٩﴾ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ ۖ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ
 وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ
 مِنَ الْمَصْلِحِ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ
 عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٣٠﴾ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ
 وَلَآ مَهْ مُؤْمِنَةً خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ
 وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا ۚ وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ
 خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ ۚ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ
 إِلَى النَّارِ ۖ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ
 وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٣١﴾

کسانی که ایمان آورده و کسانی که در راه خدا هجرت کرده و جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، و خدا آمرزنده و مهربان است. ﴿۲۱۸﴾

از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند. بگو: در آن دو گناهی بزرگ و برای مردمان سودهایی است، و گناه آن دو از سودشان بزرگ‌تر است. و از تو می‌پرسند که چه چیزی انفاق کند؟ بگو: آنچه را که از هزینه زندگی زیاد آید [یا آنچه را که از قوت و خوراک سال افزون گردد]. بدین‌سان خداوند آیات و نشانه‌ها را برای شما بیان می‌کند، باشد که درباره سعادت دنیا و آخرت خود بیندیشید. ﴿۲۱۹﴾

آری باشد که درباره سعادت دنیا و آخرت خود بیندیشید. و از تو درباره یتیمان می‌پرسند. بگو: اصلاح امور آنان به گونه‌ای که برایشان سودمند باشد نیکی است، و اگر با آنان همزیستی کنید، آنها برادران شمایند، پس مانند دیگر مسلمانان با آنان رفتار کنید؛ نه حقشان را تباه سازید و نه خود را سخت به زحمت بیفکنید، که خداوند فسادگر و اصلاحگر را می‌شناسد و آن دو را از هم مشخص می‌سازد. و اگر خدا می‌خواست، شما را در مورد یتیمان به زحمت می‌انداخت [ولی چنین نکرد] چرا که خداوند عزیز و حکیم است. ﴿۲۲۰﴾

و زنان مشرک را به همسری نگیرید تا این که ایمان بیاورند، و قطعاً کنیزی که با ایمان است، بهتر از زن آزادی است که مشرک باشد، هر چند زیبایی‌اش شما را به شگفت آورد. و زنان با ایمان را به همسری مشرکان در نیاورید تا اینکه ایمان بیاورند. بی‌تردید، برده‌ای که مؤمن است، بهتر از مرد آزادی است که مشرک باشد، هر چند مال و ثروتش شما را به شگفت آورد. آنان با گفتار و کردارشان به شرک فرامی‌خوانند که فرجام آن چیزی جز آتش نیست، و خداوند به اذن خود — بی‌آنکه کسی یا چیزی او را ناچار کرده باشد — به بهشت و آمرزش فرامی‌خواند و آتش را برای مردم بیان می‌کند، باشد که حقایق را دریابند. ﴿۲۲۱﴾

رسول خدا ﷺ :

«در اسلام، هیچ بنایی نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج نیست.»^۱

از ماندگارترین و حساس‌ترین تصمیم‌های زندگی، انتخاب همسر و آغاز زندگی مشترک با اوست. معمولاً برای همه جوانان در زمینه ازدواج و انتخاب همسر، سؤالاتی پیش می‌آید، از جمله :

به‌راستی، همسر مناسب و دلخواه، چه ویژگی‌هایی دارد؟

زمان مناسب ازدواج چه هنگامی است؟

چه موانعی در مسیر ازدواج وجود دارد و چگونه می‌توان از آنها عبور کرد؟

در این درس، به این سؤالات پاسخ خواهیم داد.

۱- «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّزْوِيجِ»؛ من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ص ۴۰۹.

انتخاب همسر و مسئولیت آینده

پس از تعیین هدف ازدواج، انتخاب همسر مناسب مطرح می‌شود. طبق مقررات اسلامی، رضایت کامل دختر و پسر برای ازدواج ضروری است و اگر عقدی به زور انجام بگیرد، باطل است و مشروعیت ندارد. داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و در عین حال، مسئولیت‌آور است. برای موفق شدن در این مسئولیت، باید بر شور و احساس جوانی تسلط کامل داشت و با چشم باز، عمل کرد. همواره دیده‌ایم که علاقه و محبت به یک شخص، چشم و گوش را می‌بندد و عقل را به حاشیه می‌راند. این سخن زیبای امام علی علیه السلام مربوط به مواردی از همین قبیل است:

حُبُّ النَّسَاءِ يُعْمِي وَ يُصِمُّ «علاقه شدید به چیزی، آدم را کور و کر می‌کند».^۱

از این رو، پیشوایان دین از ما خواسته‌اند که در مورد همسر آینده با پدر و مادر خود مشورت کنیم تا به انتخابی درست برسیم. پدر و مادر به علت علاقه و محبت به فرزند، معمولاً مصلحت و خوشبختی او را در نظر می‌گیرند و به علت تجربه و پختگی‌شان، بهتر می‌توانند خصوصیات افراد را دریابند و عاقبت ازدواج را پیش‌بینی کنند.

البته پدران و مادران نباید نظر خود را بر فرزندانشان تحمیل کنند و آنها را به ازدواجی ناخواسته بکشانند. شایسته است محیط خانواده، محیط هم‌دلی، اعتماد به بزرگ‌ترها، شنیدن نظرات یکدیگر و محیط محبت و خیرخواهی باشد تا بهترین تصمیم‌ها گرفته شود و کمتر به حسرت و پشیمانی منجر شود. از همین منظر است که ضرورت اجازه پدر برای ازدواج دختران معلوم می‌شود.

لطافت‌های روحی دختر، آن‌گاه که در فضای محبت و علاقه جنس مخالف قرار می‌گیرد، احتمال نادیده گرفتن برخی واقعیت‌ها را به دنبال دارد، علاوه بر این، چون دختران به خاطر حیا و عزت نفس قوی خود، در ازدواج پیش‌قدم نمی‌شوند و طلب و درخواست از طرف پسر صورت می‌گیرد، ممکن است حیا مانع از آن بشود که دختر همه ویژگی‌های پسر و سابقه او را بشناسد و با آگاهی کامل تصمیم‌گیری کند. در چنین مواقعی، پدر که بر احساسات خود غلبه دارد و نیز تجارب فراوان و شناخت کامل از جنس مرد دارد، می‌تواند همانند باغبانی دلسوز و کاردان از گل لطیف و ظریف خویش مراقبت کند و به راهنمایی او بپردازد.^۲

۱- خاتمة المستدرک، میرزای نوری، ج ۱، ص ۲۰۱.

۲- طبعاً تأکید بر اجازه پدر برای آن است که گاه ممکن است دختری علی‌رغم توصیه‌های پدر، علت خیرخواهی و راهنمایی او را درک نکند. در این صورت، التزام به اجازه پدر، او را از افتادن در دام زندگی ناپایدار و نامطلوب باز خواهد داشت. بنابراین، اجازه پدر، نه تنها محدودیتی برای دختران نیست؛ بلکه لطفی از جانب خداوند برای آنان است؛ زیرا در بیشتر موارد نظر پدر و دختری یکی می‌شود. تنها در صورت عدم توافق است که ازدواج منتفی می‌شود. البته در این صورت هم، یا به صلاح دختر و یا خلاف مصلحت اوست. اگر تصمیم پدر خلاف مصلحت باشد، دختر می‌تواند با کمک بستگان، پدر را قانع کند و اگر پدر استبداد ورزد و به مصلحت فرزند توجه نکند (که البته بسیار استثنایی و نادر است)، مراجع قانونی حق دختر را به وی باز خواهند گرداند.

معیارهای همسر شایسته

از نظر قرآن کریم، مهم‌ترین معیار همسر شایسته، باایمان بودن اوست.^۱ هر قدر ایمان یک فرد قوی‌تر باشد، شایستگی او برای همسری بیشتر است. البته معیارهای دیگری نیز که باید مورد توجه قرار گیرند، عبارت‌اند از:^۲

معیارها	ردیف	معیارها	ردیف
عادل و فہیم بودن		اصالت خانوادگی	
سلامت جسمی و روانی		پوشش مناسب اسلامی	
قناعت در زندگی		عدم ارتباط غیر شرعی با جنس مخالف	
کسب و کار حلال		صداقت با همسر	
زیبایی و مورد پسند بودن		اخلاق خوب و خوش رویی	
داشتن دوستان درستکار و سالم		انجام عبادات، به خصوص نماز	

* فعالیت کلاسی

در جدول بالا معیارها را بر اساس نظر خودتان رتبه‌بندی کنید و علت را در هر مورد بیان کنید.

راه‌های شناخت همسر

تحقیق دربارهٔ همسر آینده را نباید با معاشرت‌هایی که منشأ آن تنها هوس‌های زودگذر است، اشتباه کرد. تجربه نشان داده است که این‌گونه معاشرت‌ها، هرچند با عنوان‌هایی مانند شناخت روحیهٔ همسر و امتحان او باشد، نتیجه‌بخش نیست و آثار زیانباری دارد که به خاطر همان آثار، خداوند اجازهٔ این‌گونه معاشرت‌ها را به ما نداده است. در این معاشرت‌ها، معمولاً احساسات بر هر دو نفر حاکم می‌شود و دختر و پسر شخصیت واقعی خود را پنهان می‌کنند. هر طرف اصرار دارد خود را بهتر از آنچه هست، نشان دهد تا محبوب دیگری واقع شود. معمولاً هم بیشتر این معاشرت‌ها به سستی رابطه و جدایی می‌انجامند. متناسب با فرهنگ اسلامی، راه‌های زیر برای شناخت کسی که تصمیم به ازدواج با او را داریم، پیشنهاد می‌شود:

۱- تحقیق دربارهٔ خانوادهٔ همسر و موقعیت اعضای خانواده در محل زندگی و محل کار.

۱- سورهٔ بقره، آیه ۲۲۱.

۲- برای کسب اطلاع بیشتر، به کتاب «خانواده در قرآن» احمد بهشتی و «همسر داری» آیت‌الله ابراهیم امینی، مراجعه کنید.



- ۲- شناخت دوستان همسر و کسانی که او با آنها معاشرت بیشتری دارد.
 - ۳- تحقیق دربارهٔ روحیات و خُلقیات همسر در محیط کار یا محل تحصیل.
 - ۴- معاشرت خانواده‌های دوطرف با یکدیگر و بهره‌بردن از تجارب پدر و مادر در این معاشرت‌ها.
 - ۵- مشورت با افراد قابل اعتماد و کاردان.
 - ۶- گفت‌وگو با یکدیگر در جلسات حضوری و طرح نظرات و دیدگاه‌ها دربارهٔ موضوعات مختلف.
- بهبتر است مسیر شناخت همسر با مشارکت پدر و مادر طی شود که سرشار از تجربه‌اند و معمولاً به مصلحت آیندهٔ فرزند خود علاقه‌مندند.

* بررسی کنید

هریک از این راه‌ها را بررسی کنید و بگویید که هر کدام از این راه‌ها چگونه در تشخیص همسر آینده به ما کمک می‌کند؟

زمان ازدواج



آمادگی برای ازدواج، نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می‌رسد. با رسیدن بلوغ عقلی، جوان درمی‌یابد که باید زندگی را بسیار جدی بگیرد و برای آینده‌اش برنامه‌ریزی کند. توجه به داشتن شغل و پیدا کردن کار، فکر کردن دربارهٔ ویژگی‌های همسر، تنظیم خرج و هزینهٔ خود و دوری از بی‌برنامه بودن از نشانه‌های بلوغ عقلی است. نباید فاصلهٔ میان بلوغ جنسی و عقلی با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر افتد. به همین علت، پیشوایان ما همواره دختران و پسران را به ازدواج تشویق و ترغیب کرده و از پدران و مادران خواسته‌اند که با کنار گذاشتن رسوم غلط شرایط لازم را برای آنان فراهم کنند و به خاطر پندارهای باطل همچون فراهم شدن همهٔ امکانات زندگی، فرزندان خود را به گناه نکشانند و جامعه را گرفتار آسیب نسازند.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است؛ پس باید برای نصف دیگر، از خدا پروا

داشته باشد»^۱.

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۵، ص ۳۲۹؛ من لایحضره الفقیه، صدوق، ج ۳، ص ۳۸۳.

این جمله کوتاه، اهمیت ازدواج را به خوبی می‌رساند و نشان می‌دهد که چگونه نیمی از دینداری انسان با ازدواج، حفظ و نگه‌داری می‌شود.

ایشان همچنین می‌فرماید: «برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقتان را نیکو کند و در رزق و روزی آنها توسعه دهد و عفاف و غیرت آنها را زیاد گرداند».^۱ امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

«دو رکعت نماز شخص متأهل، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص مجرد می‌خواند».^۲

نباید از یاد ببریم که ازدواج برای رفع نیازهای طبیعی و پاسخگویی به قانون خلقت انجام می‌شود و شایسته است که به این نیازهای طبیعی در «زمان مناسب» و به «شیوه صحیح» پاسخ دهیم. شادابی، سلامت جسمی و روحی، رشد طبیعی، احساس رضایت درونی، کاهش فشار جنسی و سلامت اخلاقی جامعه از فواید ازدواج در «زمان مناسب» است. تأخیر در ازدواج، سبب افزایش فشارهای روحی و روانی، روابط نامشروع و آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

همچنین اگر فردی بخواهد به شیوه‌ای غیر از شیوه‌های مطرح شده از سوی دین، یعنی به «شیوه ناصحیح» به نیاز جنسی خود پاسخ دهد، در آن صورت، لذت آنی برخاسته از گناه، پس از چندی، روح و روان فرد را پژمرده می‌کند و شخصیت او را می‌شکند. این گونه اشخاص، به جای بازگشت به مسیر درست، برای فرار از این پژمردگی به افراط در گناه کشیده می‌شوند؛ اما نمی‌دانند که روحشان مانند تشنه‌ای است که هرچه بیشتر از آب شور دریا می‌نوشد، بر تشنگی‌اش افزوده می‌شود و بی‌قراری‌اش شدت می‌یابد.

دین اسلام به همه نیازها و خواسته‌های انسان، چه نیازهای فطری، اخلاقی و معنوی و چه نیازهای مختلف غریزی و جسمی، توجه کرده است و با واقع‌بینی کامل، برای شرایط گوناگون، راه‌حلهایی حکیمانه، ارائه داده است تا نه فرد گرفتار هیجانات و طغیان‌های غیر اخلاقی شود و نه جامعه دچار بحران‌های اجتماعی.^۳

دانش تکمیلی

برای آشنایی با برخی احکام ازدواج موقت به محتوای این رمزینه مراجعه کنید.



۱- نوادر، قطب راوندی، ص ۳۶.

۲- کافی، کلینی، ج ۵، ص ۳۲۸؛ من لایحضره الفقیه، صدوق، ج ۳، ص ۳۸۴.

۳- در اسلام علاوه بر ازدواج دائم، ازدواج موقت نیز برای کسانی که امکان ازدواج دائم ندارند، پیشنهاد شده است، که احکام آن در رساله علمیة مراجع تقلید و در «دانش تکمیلی» بالا ذکر شده است.

مشکلات پیش‌رو

اولین سؤالی که در زمینه ازدواج به ذهن جوان خطور می‌کند این است که با وجود مشکلات اقتصادی فراوان، چگونه می‌تواند ازدواج کند؟! چاره‌اندیشی در این مورد به بخش‌های مختلفی از جامعه مربوط می‌شود. آنها باید با برنامه‌ریزی صحیح، به تدریج از شمار مشکلات بکاهند و امکان ازدواج به موقع جوانان را فراهم آورند. برخی از این مشکلات عبارت‌اند از:

- ۱- هزینه بالای مسکن؛
- ۲- هزینه‌های ازدواج و تأمین خانواده؛
- ۳- طولانی شدن زمان تحصیلات دانشگاهی و مدت خدمت سربازی برای پسران؛
- ۴- توقعات غیرضروری ناشی از برخی آداب و رسوم غلط؛
- ۵- رقابت‌های نابجای خانوادگی؛
- ۶- الگو قرار ندادن روش پیشوایان دین و بی‌توجهی به راهنمایی‌های آنان.

با وجود همه این مشکلات، تدبیر پدران و مادران می‌تواند بسیاری از مشکلات را از میان بردارد و شرایط ازدواج آسان را فراهم کند. دختران و پسران جوانی که حفظ عفاف و پاکدامنی را اصل قرار داده‌اند، می‌توانند با کاستن از توقعات خود و با نادیده گرفتن برخی موانع خودساخته مانند آداب و رسوم غلط و تشریفات و تجملات زائد، یک زندگی مشترک ساده و صمیمی را با همکاری سایر اعضای خانواده آغاز کنند و از فایده‌ها و شیرینی ازدواج که بسیار ارزشمند است، بهره‌مند شوند.

* راه حل

با توجه به مشکلات یاد شده، برای اینکه ازدواج در زمان مناسب خود انجام شود و تأخیر آن به حداقل برسد، راه‌حل‌های پیشنهادی شما برای گروه‌های زیر چیست؟

۱- مسئولان جامعه	۲- پدر و مادرها	۳- دختران و پسران
.....		
.....		
.....		

خواستگاری پسر از دختر یا دختر از پسر؟!



معمولاً خواستگاری از طرف پسر اعلام می‌شود و قبول و رضایت از طرف دختر صورت می‌گیرد. این سنت نشانه آن است که پسر باید سؤال و درخواست کند و دختر می‌تواند بپذیرد، یا رد کند. به تعبیر دیگر، این پسر است که ابتدا محبت خود را اعلام می‌کند و به دنبال دختر می‌آید تا دختر این

اعلام محبت را بررسی کند و پاسخ دهد. این سنت، برای احترام به شخصیت دختر است. البته، طرح خواستگاری از سوی مرد، به این معنا نیست که دختران نمی‌توانند همسر مناسب خود را انتخاب کنند و خود را به وی معرفی نمایند. این کار بهتر است به صورت غیر مستقیم صورت بگیرد؛ مثلاً دختر به یکی از افراد نزدیک و مورد اعتماد خود بگوید که وی را به عنوان یک مورد برای ازدواج، به پسر مورد نظر خود پیشنهاد کند. (البته این فرد واسطه نباید در صحبت‌های خود با پسر یا خانواده او حرفی از علاقه دختر به پسر مورد نظر به میان آورد). خوبی این روش این است که اگر پسر تمایلی به ازدواج با این دختر را نداشت، کرامت و عزت نفس دختر حفظ می‌شود.

نمونه زیبای چنین موردی، ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام پیش از نبوت بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه به درستکاری و امانت‌داری مشهور بود و حضرت خدیجه علیها السلام این را می‌دانست؛ اما پس از اینکه مال التجاره زیادی در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت و ایشان را برای یک سفر تجاری به شام فرستاد و امانت‌داری و درستکاری ایشان را در عمل دید و اخلاق کریمانه پیامبر را مشاهده کرد، شیفته رفتار و اخلاق پیامبر شد. اما پیامبر به این موضوع توجهی نداشت تا اینکه حضرت خدیجه علیها السلام علاقه و محبت خود را به پیامبر، با افرادی از خویشان خود که با ایشان نیز دوستی داشتند، در میان نهاد و آنان پیامبر را مطلع کردند و درباره شخصیت ممتاز حضرت خدیجه علیها السلام برای پیامبر سخنانی گفتند. پیامبر که حضرت خدیجه علیها السلام را برای همسری خود مناسب دید، خواستگاری این بانوی بزرگوار را پذیرفت و ازدواج این زوج خوشبخت، صورت گرفت.^۱

۱- یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۵، ص ۱۱۰؛ سلام بر خورشید، سیدعلی اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۱ به بعد؛ زندگی حضرت محمد صلی الله علیه و آله،

سیده‌هاشم رسولی محلاتی، ص ۹۱.

آیا دختران و پسران می‌توانند قبل از ازدواج دوستی خارج از چارچوب شرع داشته باشند؟

قرآن کریم، به صورت قاطع، مردان و زنان را از ارتباط‌های غیرشرعی منع می‌کند و از مرد و زن می‌خواهد که فقط براساس قوانین دین با یکدیگر ارتباط داشته باشند. زیرا عاقبت روابط غیرشرعی، زیان روحی و عاطفی برای هر کدام از زن و مرد است و به گسترش بی‌بندوباری در جامعه منجر می‌شود.^۱

در بسیاری از موارد، افرادی که به دنبال این گونه دوستی‌ها هستند، به تعبیر قرآن کریم، قلبی مریض دارند^۲ و فقط به دنبال هوسرانی خود و سوءاستفاده از طرف مقابل می‌باشند؛ به بهانه ازدواج در آینده، از در دوستی وارد می‌شوند و پس از مدتی، بدون دلیل قانع‌کننده‌ای جدا می‌گردند و دوستی با دیگری را آغاز می‌کنند. بهترین راه عبور سالم و بی‌خطر از دوره تجرد و ورود به زندگی خانوادگی، اعتماد به راهنمایی خداوند و رعایت دستوراتی است که خدا به ما داده است. بنابراین، شایسته است به نکات زیر توجه کنیم:

۱- هر انسانی، چه زن و چه مرد، کسی را برای همسری می‌پسندد که قبل از ازدواج، عقیقانه زندگی کرده و با جنس مخالف رابطه غیرشرعی نداشته باشد؛ زیرا می‌داند چنین کسی در طول زندگی مشترک هم، به او خیانت نخواهد کرد.

۲- هرکس عفاف و پاکدامنی قبل از ازدواج را رعایت نکند و عامل انحراف دیگری شود، کار او در جهان بی‌پاسخ نخواهد ماند و مکافات آن در همین دنیا به صورتی به خودش باز خواهد گشت. این مکافات، جدای از مجازات سنگین اخروی است. چوب خداوند صدا ندارد، اما ضربه آن قاطع، محکم و در زمانی که گناهکار فکرش را هم نمی‌کند، وارد می‌شود.

۳- پسران غیور، دختران دیگر را در جای خواهر خود قرار می‌دهند و همان‌طور که اگر نامحرمی از روی هوس قصد تعرض به خواهرشان را داشته باشد، غیرتشان به جوش می‌آید، همین حالت را نسبت به دختران دیگر دارند و به خودشان اجازه بی‌حرمتی به او را نمی‌دهند.

۴- دختران باحیا و عقیق، همواره به این فکر هستند که با همین حالت عفاف با همسر آینده خود روبه‌رو شوند و پاک وارد خانه همسر گردند. از این‌رو، نمی‌گذارند هوس‌رانان متوجه آنها شوند. این دختران به گونه‌ای در خیابان، مدرسه، دانشگاه و سایر مراکز عمومی، رفت‌وآمد می‌کنند که کمتر کسی به خود اجازه دهد به آنان بی‌حرمتی کند.

۱- سوره مائده، آیه ۵؛ سوره نساء، آیه ۲۵.

۲- سوره احزاب، آیه ۳۲.

۵ - همه آنان که با فریب فریب کاران وارد فضای هوس آلود می شوند، پس از مدت کوتاهی دچار یک زندگی تلخ می گردند که تا پایان عمر گریبانشان را رها نمی کند. زندگی این افراد پر از شک و بددلی به همسرشان است. آنان دائم با خود می گویند آیا همسر من قبل از ازدواج با من با کس دیگری نبوده است؟ آیا اکنون با کسی رابطه ای ندارد؟ آیا...

۶- توبه، بهترین راه رهایی از دام فریب کاران است. اگر گاهی احساس بر عقل غلبه کرد و گناهی از ما سر زد، نباید از رحمت خدا مأیوس شد و برای دومین بار فریب خورد و گفت: «آب که از سر گذشت، چه یک وجب، چه صد وجب». نه، توبه واقعی کاری می کند که انسان دوباره به پاکی اولیه خود برسد؛ زیرا «نیکی ها از بین برنده بدی ها هستند»؛^۱

طبق آیه ۳۳، سوره نور وظیفه جوانی که به بلوغ جنسی و عقلی رسیده، اما هنوز امکان ازدواج پیدا نکرده است، این است که :

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ **راه عفاف را پیش گیرند، کسانی که امکان ازدواج برایشان نیست، تا خداوند از فضل خود نیاز آنان را برطرف سازد.**

قرآن کریم، در مواردی که دختر یا پسر نمی توانند از طریق چارچوب های قرار داده شده در شرع، ارتباط برقرار کنند، هیچ راهی جز عفاف و پاکدامنی و مهار نفس را نمی پذیرد؛ زیرا خدایی که غریزه جنسی را به انسان داده، هم او به انسان نیروی ایمان و اراده ای بخشیده است که بتواند خویشتن داری کند و مانع گناه شود. برای اینکه حفظ عفاف و مهار نفس آسان تر شود، می توان از اقدامات ده گانه ای که در درس قبل پیشنهاد شد، استفاده کرد.

پیشنهاد

مراسم عروسی، آغاز زندگی زن و مرد است. امروزه این مراسم با برنامه های مثبت و منفی و صرف هزینه های گوناگون برگزار می شود. از آنجا که احتمالاً تاکنون در چند مراسم عروسی شرکت کرده اید، این موضوع را بررسی کنید.

- ۱- کدام یک از برنامه های این مراسم، با احکام و دستورات الهی هماهنگ بوده است؟
- ۲- کدام یک از برنامه های آن، با احکام و دستورات الهی هماهنگ نبوده است؟
- ۳- به نظر شما کدام یک از هزینه های مراسم، قابل چشم پوشی و صرفه جویی می باشد؟

